

۶۶ - ای بند گان الهی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۶۶ - ای بند گان الهی

ای بند گان الهی، عصر است و در کنار حدیقه انبیه بنگارش این وثیقه پرداختم و بد کر آن یاران فرح و تسلی خاطر یافتم و در کمال خضوع و خشوع ببارگاه عزت الهیه عجز و زاری نمایم و تضرع و بیقراری کنم و استدعای عون و عنایت نمایم و حفظ و صیانت خواهم. در شبهای تاریک و تاریکستان پروردگار مناجات کنم که ای پروردگار، یاران بی سر و سامانند و دوستان پریشان آن زلف مشکبار دلبا بخت بسته و جانها از ما سوایت رسته و سینه ها به تیر محبت خسته ناله و فغان عاشقان است که متواصل بکپکشان است و صریخ و ضجیح مشتاقان است که متصاعد بعنان آسمان است. هر یک با قلبی سوزان و سرشکی روان و ناله و فغان راز عشق تو گوید و اسرار محبت تو جوید. ای دلبر مهربان دلدادگانرا مرحمتی کن آشفتهگانرا موهبتی ده توئی کریم و رحیم و رحمان و توئی عزیز و قدیر و منان.

باری ای یاران ایام حیات منطوی گردد و کوب زندگانی در مغرب نیستی متواری شود سریر هر پادشاهی عاقبت مبدل بحصیر شود و عزت هر بزرگواری منتهی به ذلت کبری گردد سرهای سروران زیر اقدام رود و قصور عالی بزرگان وقتی مبدل به قبور شود در اینصورت آزادگان را نشاید و بندگان الهی را نباید که بدنیای فانی ادنی تعلق یابند و اسیر زنجیر آرایش این خاکدان ترابی گردند بلکه باید این قیص رثیت بر اندازند و رداء تقدیس پوشند و این سلاسل و اغلال بگسلند و در میدان جانفشانی جولان کنند جهان نیستی را هستی بخشند و در عالم فانی حیات باقی یابند در ظلمات امکانی شمع توحید افروزند و مانند عندلیب بر شاخسار تجرید نکته اسرار تفرید گویند و بتمجید رب مجید زبان بکشایند تا عاقبت محمود گردد و الطاف رب ودود احاطه کند و در حیز شهود موهبت کبری مشهود گردد.



ORIGINAL



AUDIO